

نامه شکوائیه شماره ۲ دکتر محمدعلی طاهری خطاب به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

باسمه تعالی

کمیسیون محترم اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

(شکوائیه شماره ۲)

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً با توجه به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی اینجانب (بدلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک جهت صدور حکم جلب) به اتهامات عضویت در سازمان چریکهای فدایی خلق و... در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ و مجدداً تفهیم اتهام و بازداشت موقت غیرقانونی به اتهام افساد فی الارض (بعلت عدم تطابق با قانون) و همچنین اتهامات ارتداد، ساب النبى (ص) و... (به علت استناد غیرقانونی به فتاوی مراجع عظام تقلید و عدم وجود هرگونه ادله اثبات) در تاریخ ۹۰/۲/۱۴، اکنون که پس از گذشت حدود هشت سال و صدور منع تعقیب اتهامات عضویت در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترورهای انجام شده، تهدید افراد متعدد، ارتداد، ساب النبى(ص)، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان متعدد، تشکیک در اعتقادات مذهبی هزاران نفر و... در سال ۹۵ و دو بار نقض حکم اعدام صادره از بابت افساد فی الارض از سوی دیوان عالی محترم کشور، در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶ بدلیل عدم مطابقت اتهام انتسابی با قانون قدیم (که به همین علت برای آن اصلاً نمی‌بایستی قرار بازداشت موقت صادر میشد و یا در همان دادگاه برگزار شده سال ۹۰، برائت آن صادر شده بود) و همچنین عدم تطابق با هیچ یک از موارد مطروحه در ماده ۲۸۶ قانون جدید ۹۲ جرم افساد فی الارض و صدور حکم با

استناد به قانون موخرالتصویب ۹۲ که با ارجاع پرونده به دادگاه هم عرض (طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ ا.د.ک) می‌بایستی با متابعت از آرای دیوان عالی محترم در ماهیت رسیدگی و انشای رای کند که با در نظر گرفتن نقض ماهیتی و شکلی اتهام انتسابی مطابق آنچه که توضیح داده شد و مردود بودن اتهام انتسابی بطور کلی، عدم وجود نقص در پرونده، عدم وجاهت قانونی استناد به فتاوی مراجع محترم تقلید، عدم وجود هرگونه اتهام دیگری، عدم وجود شاکی خصوصی و... پس از برگزاری چهار دوره جلسات دادگاه غیرقانونی، رای برائت صادر می‌شود.

اما متاسفانه قاضی صلواتی بعنوان ریاست شعبه هم عرض، بجای انشای رای طبق نظر دیوان محترم، ضمن عزل غیرمستقیم وکلای اصلی پرونده هشت ساله اینجانب، به اتفاق یکی دیگر از کارشناسان امنیتی پرونده (آقای محمدحسین صدرا علوی)، صدور برائت از این اتهام و بسته شدن پرونده آنرا مشروط به پذیرش و قبول اتهام دیگری و تمکین در مقابل آن نموده تا به این شرط به من اجازه داده شود پس از چندسال دیگر تحمل حبس نجات پیدا کرده و آزاد شوم (که طی جلسات متعدد نظر کارشناسان امنیتی مبنی بر قبول ماده ۴۹۸ جرم اقدام علیه امنیت کشور بود که با عدم قبول من، قاضی صلواتی بر مبنای تبصره ماده رد شده ۲۸۶، محکومیت ۵ سال حبس غیرقانونی صادر نموده است) بدیهی است که این گروکشی که تحت پوشش قانون صورت می‌گیرد، عملی مجرمانه و نیرنگی آشکار می‌باشد.

این شگرد مکارانه بمنظور جلوگیری از درخواست ضرر و زیان مادی و معنوی و اعاده حیثیت بواسطه دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی و... ارائه شکایات از رفتارها و اقدامات مجرمانه بازپرس اسدی، کارشناسان امنیتی و قضات پرونده، عدم استرداد اموال غارت شده بدون رسید، مفقود نمودن ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم از اوایل سال ۹۲ تاکنون، همچنین جلوگیری از آشکار شدن تبهکاریهای سازمان یافته با اهداف مشکوک بمنظور سیاسی کردن جریانهای غیرسیاسی، فرقه سازی، ایجاد نارضایتی و... برباد دادن حیثیت «ثارالله» بواسطه نشر اکاذیب و طرح این همه افتراها، بهتان ها در سطح گسترده بدون در دست داشتن مدارک لازم و کافی و معتبر که صرفاً با استناد به چند کلیپ جعلی کوتاه منقطع، جزوات جعلی و... اقدامات مجرمانه خود را در تبانی با یکدیگر در طول هشت سال گذشته، مدیریت کرده اند.

این در حالی است که پس از ارتکاب اینهمه جرائم، تخلفات، ظلم و ستم و... نسبت به من و خانواده ام، اینک بجای عذر خواهی و حلالیت طلبیدن، با کمال بی‌شرمی و وقاحت برای نجات خود از اینهمه رسوائی، باز هم بدنبال ارتکاب اعمال ناعادلانه و مزورانه دیگری به پشتوانه حمایتی که از طرف قانون به غلط از آن برخوردارند، می‌باشند.

لذا با عنایت به مطالب پیش گفته بعنوان مقدمه، بدینوسیله شکایت خود را از مقام های قضائی در قسمت A به شرح زیر جهت هرگونه بررسی و اقدام قانونی تقدیم میدارد (پیرو شکایت مورخ ۹۶/۱۰/۹ و عدم هرگونه رسیدگی از جانب آن کمیسیون محترم تاکنون علیرغم پیگیری‌های مکرر اینجانب و وکلایم) همچنین اشاره به بازبینی قوانین - معایب و کاستی های آنها در قسمت B .

با تقدیم احترام
محمدعلی طاهری
۹۷/۱/۱۸

قسمت A

شکایات

* بازپرس اسدی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای شهید مقدس در سال ۹۰ (پیرو شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تاکنون):

۱) اقدام به اخذ فتوهای متقلبانه و مزورانه از سه تن از مراجع محترم تقلید از طریق طرح فرضیات کذب و ناروا در استفتاء و نسبت دادن آنها به اینجانب بطوریکه علی القاعده پاسخ مراجع به این فرضیات، ارتداد، افساد و... باشد. سپس با استناد به این فتواها که سال ۸۹ اخذ شده، مبادرت به اقدامات غیرقانونی بر علیه من نموده، از جمله:

الف) صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی من به اتهامات ارتداد، ساب النبی (ص) در تاریخ ۹۰/۲/۱۴ با استناد ناموجه، متقلبانه و غیرقانونی به فتوهای فوق که صرف نظر از کذب و موهومی بودن فرضیات و ادعاهای مطروحه، متقلبانه بودن شگرد استفتاء و... طبق بند سادساً دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴، با وجود قانون مجازات اسلامی، استناد به فتوهای مراجع عظام تقلید، وجاهت قانونی ندارد که در نتیجه صدور قرار بازداشت موقت من و سایر اقدامات صورت گرفته با این ترفند، غیر قانونی بوده است. در ضمن منع تعقیب اتهامات فوق بدلیل عدم وجود ادله اثبات جهت ارائه به دیوان عالی، در تاریخ ۹۵/۴/۱۳ صادر شده است.

ب) صدور قرار ممنوع الخروجی اینجانب در تاریخ ۸۹/۱۲/۲۱ به این استناد. پ) صدور برخی از آرای ناحق و غیرقانونی محکومیت در سال ۹۰ در دادگاه برگزار شده توسط قاضی پیرعباسی از جمله صدور حکم امحاء کتب، مجلات، مقالات و تولیدات فرهنگی تألیفی اینجانب با استناد به این فتوهای متقلبانه قبل از خاتمه دادرسی که در نتیجه، این اقلام که به هنگام دستگیری من جمع آوری شده، به بیابان های اطراف تهران منتقل و در حضور همسر و خواهرزاده ام به آتش کشیده شده و متعاقباً نسخه های جعلی جایگزین و منتشر شده است.

ت) مورد استناد قرار گرفتن بعنوان یکی از دلایل محکم و متقن صدور آرای غیرقانونی اعدام به اتهام افساد فی الارض در سال های ۹۴ و ۹۶

ث) مورد استناد قرار گرفتن جهت نشر اکاذیب از جمله استناد در فیلم «حلقه شیطان» و پخش مکرر آن از رسانه ملی و سایر رسانه ها و...

۲) ارائه پانزده حکم جعلی اعدام (بجای سه فتوای اخذ شده فوق الذکر)، با این ادعا که این حکم ها از سوی پانزده تن از مراجع عظام تقلید، پس از مطالعه کتب، مجلات و مقالات و بررسی موضوعات آموزشی موسسه من صادر شده است و با این شگرد مجرمانه و کثیف زمینه ایجاد رعب و وحشت توسط کارشناسان امنیتی را از طریق صحنه سازی های اعدام و... بمنظور گرفتن اعترافات کذب دیکته شده زوری و... فراهم نموده است (در حالیکه مدتها بود در دادگاه از طریق وکیلیم فهمیدیم که اصلا چنین حکم های اعدامی صادر نشده و آنهایی را که بازپرس اسدی به من نشان داده، جعلی بوده اند و ایشان فقط با توضیحات فوق، از سه تن از مراجع محترم تقلید استفتاء نموده است).

۳) صدور قرار بازداشت موقت غیرقانونی به اتهام افساد فی الارض در تاریخ ۹۰/۲/۱۴ (بدلیل عدم تطابق با قانون در زمان صدور قرار مربوطه و عالم بودن ایشان به آن).

۴) گرفتن مصاحبه کذب دیکته شده زوری از طریق تهدید من به صدمه رساندن به خانواده در صورت عدم تمکین، فریب و اغوا و... با تباری و همدستی کارشناسان امنیتی پرونده. این مصاحبه همچنین مورد استناد قاضی پیرعباسی جهت صدور محکومیت برای چند اتهام در سال ۹۰ قرار گرفته و پس از آن نیز به تقاضای اعاده دادرسی من رسیدگی نشده است.

۵) صدور مجوز پخش قسمتهایی از مصاحبه فوق الذکر از رسانه ملی از جمله اخبار ۲۰:۳۰ در تیر ۹۰ و معرفی اینجانب بعنوان شیاد و کلاهبردار و... بمنظور فراخوان شاکی خصوصی

۶) مفتوح گذاشتن غیرقانونی پرونده اتهامات انتسابی فاقد ادله اثبات (مانند عضویت در سازمان چریکهای فدائی خلق و... که در سال ۹۵ برای آنها منع تعقیب صادر شد).

۷) اعمال فشار و تهدید بمنظور گرفتن اعترافات کذب و قبول کردن اتهامات ارتداد و... که در متن حکم های جعلی اعدام نسبت به من توسط مراجع تقلید تایید شده بود.

۸) سوء استفاده ابزاری از جایگاه سیاسی - اجتماعی مراجع محترم تقلید و مهر و امضای آنها در جهت پیشبرد مقاصد شوم و غیرقانونی سازمان یافته خود.

۹) خالی گذاشتن جای برخی از سوالات (س) در برگه بازجوئی و ارائه سوال بصورت شفاهی و یا در برگه کاغذ باطله جداگانه و گرفتن جواب آن در محل (ج) در برگه بازجوئی.

۱۰) جلوگیری و ممانعت از دادن اعتراض به تمديد بازداشت موقت تاريخ ۹۴/۴/۱۴ به بهانه های واهی، وعده های پوچ، اغوا و فریب.

۱۱) نقض ماده ۳ (آ.د.ک) و عدم بیطرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده * لازم به ذکر است با شکایت های مکرر بعمل آمده از بازپرس اسدی از سال ۹۰، قرار منع تعقیب نامبرده در تاریخ ۹۴/۱/۱۸ از سوی شعبه ۱۵ بازپرسی ناحیه ۲۸ تهران صادر شده بدون آنکه اینجانب بعنوان شاکی به این شعبه احضار شده باشم و همچنین بجای بازداشتگاه به منزل ابلاغ گردید! که پس از دسترسی بسیار مشکل به این ابلاغیه (بدلیل ممانعت از تحویل آن در بازداشتگاه)، علیرغم دادن اعتراض نسبت به حکم صادره در تاریخ ۹۴/۱/۳۱ بدون هیچگونه رسیدگی به اعتراض من، قرار منع تعقیب ایشان قطعی شد (متعاقباً از شعبه ۱۵ بازپرسی ناحیه ۲۸ تهران نیز در تاریخ ۹۴/۲/۱ بعلت صدور این حکم طرح شکایت نمودم که به آنهم تاکنون رسیدگی نشده است).

* جناب قاضی پیرعباسی (پیرو شکایات ارائه شده از سال ۹۱ تاکنون)

۱) پذیرفتن و مفتوح گذاشتن غیرقانونی پرونده اتهام افساد فی الارض انتسابی بدلیل عدم انطباق اقدامات کذب انتسابی با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون قدیم جرم افساد فی الارض در زمان برگزاری جلسات دادگاه در سال ۹۰ که میبایستی به همین دلیل حکم برائت اینجانب را از اتهام انتسابی صادر میکرد. ضمن اینکه به من و وکیلیم در پایان جلسه اول دادگاه در تاریخ ۹۰/۷/۱۷ و پس از قرائت کیفرخواست در تایید تذکر وکیلیم درمورد فوق الذکر و پاسخ به اینجانب در خصوص نحوه مدیریت زمان بمنظور اختصاص وقت کافی برای جواب دادن به کلیه موارد مطرح شده در کیفرخواست ۵۰ صفحه ای، ایشان گفتند که به دلیل ذکر شده فوق، این اتهام را نپذیرفته اند و نیازی به پاسخگوئی من نمیباشد و فقط به چند مورد از سایر اتهامات مانند کسب مال نامشروع و... جواب بدهم (هرچند که طبق نوار لو رفته و افشا شده سخنگوی کارشناسان امنیتی ثارالله، به قاضی پیرعباسی

سفارش صدور حکم اعدام مرا بابت اتهام افساد فی الارض داده‌اند و چون ایشان قبول نکرده، وی را به دادگاه خانواده منتقل نموده و با جایگزینی قاضی احمدزاده بجای ایشان در تصدی ریاست شعبه ۲۶ همین پیشنهاد را به قاضی احمدزاده داده‌اند و او را تهدید کرده‌اند که اگر حکم اعدام مرا صادر نکند، ایشان را نیز مانند قاضی پیرعباسی به دادگاه خانواده تبعید خواهند کرد و او هم پذیرفته و بصورت غیرقانونی و با استناد به ماده ۲۸۶ قانون جدید دو بار حکم اعدام صادر نموده است).

۲) صدور محکومیت برای اتهامات بدون وجود ادله اثبات و پذیرفتن اسناد و مدارک جعلی (کلیپهای صوتی و تصویری کوتاه و منقطع جعلی و جزوات جعلی) بدون انجام تحقیق کافی در مورد آنها از اینجانب.

۳) صدور محکومیت برای اتهامات خلاف واقع مانند کسب مال نامشروع

۴) عدم توجه به دفاعیات اینجانب و وکیلیم و همچنین عدم توجه به شکایات ارائه شده من نسبت به اقدامات خلاف و مجرمانه صورت گرفته توسط بازپرس اسدی و کارشناسان امنیتی پرونده در مورد گرفتن اعتراف و مصاحبه زوری دیکته شده، حکم های جعلی اعدام و صحنه سازی های مربوطه و علت چهار بار اقدام به خودکشی، نقض آئین نامه دادرسی و حقوق شهروندی و... در جلسه دادگاه مورخ ۹۰/۷/۳۰ (با استناد به فیلم دادگاه)

۵) صدور حکم امحاء کتب و آثار مکتوب تألیفی اینجانب با استناد غیرقانونی به فتوهای سه تن از مراجع عظام تقلید که با شگرد متقلبانه توسط بازپرس اسدی اخذ شده (عدم وجاهت قانونی استناد به فتوهای مراجع طبق بند سادساً رای دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴) قبل از خاتمه دادرسی و فراهم نمودن زمینه چاپ و نشر کتب و جزوات جعلی (موسسه هرگز جزوه درسی نداشته است) بوسیله کارشناسان امنیتی پرونده (با استناد به مدارک ارائه شده به دادگاه در تاریخ ۹۶/۴/۱۹) پس از جمع‌آوری و به آتش کشیدن نسخه‌های اصلی در بیابانهای اطراف و سپس ضمیمه نمودن این نسخه‌های جعلی بعنوان ادله اثبات مطالب کذب و موهومی مطرح شده در کیفرخواست و... ضمن اینکه امحاء کردن این مکتوبات و... قبل از خاتمه دادرسی خلاف آشکاری بوده است.

۶) نقض ماده ۳ (آ. د.ک) وعدم بیطرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده تا حدود توضیح داده شده فوق.

* جناب قاضی احمدزاده (پیرو شکایات مورخ ۹۵/۹/۲۳ - ۹۵/۱۲/۳ - ۹۶/۷/۱۵ - ۹۶/۱۰/۹ به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس):

(۱) برگزاری دو دوره جلسات دادگاه غیرقانونی در سال های ۹۳ و ۹۴ - ۹۵ و ۹۶ به علت استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ (ماده ۲۸۶ جرم افساد فی الارض) و دو بار صدور حکم غیرقانونی اعدام در تیر ۹۴ و شهریور ۹۶ در این رابطه که این اعمال، بمنزله اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون محسوب میشود؛ زیرا :

اولاً) اتهام وارده نسبت به اقدامات کذب انتسابی با قانون قدیم (ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸) و قانون مؤخرالتصویب ۹۲ (ماده ۲۸۶) مطابقت نداشته و به این دلیل، اتهام انتسابی ماهیتاً مردود بوده است.

ثانیاً) برگزاری جلسات دادگاه و صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب، فاقد وجاهت قانونی می باشد (تاریخ تفهیم و بازداشت موقت: ۹۰/۲/۱۴)

(۲) عدم متابعت از آرای دیوان عالی محترم کشور صادره در آذر ۹۴ طبق بند ۲ قسمت ب ماده ۴۶۹ پس از نقض حکم غیرقانونی اعدام صادره توسط قاضی احمدزاده و اصرار در صدور مجدد حکم غیرقانونی اعدام و عدم متابعت از رای دیوان که دلیل محکمی بر عمد بودن عمل خلاف ایشان در اقدام به شروع قتل عمد از طریق انحراف از قانون می باشد.

(۳) برگزاری دادگاههای غیرعلنی به منظور مخفی نگهداشتن حقایق پرونده و اقدامات غیرقانونی بعمل آمده.

(۴) تداوم بازداشت موقت غیرقانونی از بابت اتهام افساد فی الارض بیش از مهلت مقرر در قانون که از تاریخ ۹۰/۲/۱۴ از این بابت آغاز شده است (نقض ماده ۲۴۲)

(۵) استناد به دلایل جعلی و کذب بعنوان دلایل صدور حکم اعدام مانند: ادعای کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به بنده از بانک های سرتاسر کشور، در حالیکه من فقط در تهران حساب بانکی داشته و کل موجودی ام نیز به هنگام دستگیری مبلغ ۲۷ میلیون تومان بوده است.

(۶) عدم بیطرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده در جهت اقدام به ترور شخصیتی و ترور فیزیکی اینجانب با ابزار قانون و نقض ماده ۳ (آ.د.ک)

۷) عدم پیگیری جدی نسبت به اعتراض و شکایت اینجانب در مورد مفقود نمودن ۲۵۰ برگ از دفاعیات من از اوایل سال ۹۲ توسط کارشناسان امنیتی پرونده که این خود دلیل محکم دیگری مبنی بر تبانی با کارشناسان امنیتی و محرز بودن اقدام به شروع قتل عمد من از طریق تخطی و انحراف از قانون می باشد.

۸) بکاربردن سوالات تلقینی، استفاده از عناوین مجرمانه موهومی و اثبات نشده و برچسب های کذب مانند: فرقه، سرکرده فرقه، فرقه ضاله و...

۹) ایجاد انگیزه برای شاگردان موسسه فرهنگی هنری سابق اینجانب و تحریک آنها جهت برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز مردمی با هدف جلوگیری از اقدامات غیرقانونی قاضی احمدزاده و مامورین امنیتی پرونده که منجر به دستگیری تعداد بسیار زیادی از آنان و صدور محکومیت های طولانی مدت برای عدای نیز شده است.

۱۰) عدم توجه به تذکرات و اعتراضات اینجانب و وکلایم و تجمعات مسالمت آمیز مردمی در ایران و خارج از کشور، شورای حقوق بشر سازمان ملل، عفو بین الملل، پارلمان اتحادیه اروپا، شخصیت ها و محافل برجسته داخلی و جهانی و... در مورد برگزاری دادگاه های غیرقانونی و صدور حکم های اعدام در این رابطه از سال ۹۳ (۱۱) بی توجهی به شکایات اینجانب در مورد عدم وجاهت قانونی پرونده بواسطه جرائم ارتكابی کارشناسان امنیتی و بازپرسی پرونده، نقض آئین نامه دادرسی، حقوق شهروندی و...

همچنین در مورد گرفتن مصاحبه کذب دیکته شده زوری که از طریق اعمال فشار و تهدید به صدمه رساندن به خانواده اخذ شده و طفره رفتن از تنظیم صورتجلسه، عدم وجاهت قانونی پرونده و عدم اعتبار قانونی مصاحبه فوق الذکر و...

۱۲) اطاله وقت دادرسی چندین ساله از طریق برگزاری جلسات دادگاه های غیرقانونی و صدور آرا و احکام غیرقانونی (اعدام) و عدم توجه به دفاعیات من و وکلایم

۱۳) عدم موافقت با انتقال به زندان عمومی، برخورداری از حقوق زندانیان مانند استفاده از مرخصی حتی پس از نقض ماهیتی حکم اعدام در آذر ۹۴ و صدور منع تعقیب سایر اتهامات در ۹۵/۴/۱۳ و به مناسبت های ویژه ای مانند مراسم ترحیم مادر همسر، مراسم عقد دخترم، مراسم ترحیم مادرم، مراسم عروسی دخترم و...

۱۴) وارد نمودن فشارهای روانی سنگین به اعضای خانواده و بستگانم بواسطه صدور آرا و احکام غیرقانونی اعدام.

(۱) عدم متابعت از آرای دیوان عالی محترم کشور صادره در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶: که شعبه ۱۵ بعنوان دادگاه همعرض می‌بایستی با استناد به بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ در ماهیت اتهام انتسابی افساد فی الارض، با در نظر گرفتن استنادات دیوان محترم بشرح مختصر زیر، انشای رای می نمود:

(الف) عدم مطابقت اتهام انتسابی با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون قدیم و ماده ۲۸۶ قانون جدید ۹۲ بواسطه استناد به قانون موخرالتصویب و در نتیجه غیرقانونی بودن صدور آرا و احکام.

(پ) عدم وجاهت قانونی استناد به فتوهای مراجع عظام تقلید و عدم تطابق آیات قرآنی مورد استناد دادگاه با اقدامات (کذب) انتسابی.

(ت) عدم وجود هرگونه اتهام دیگری و منع تعقیب سایر اتهامات مورد نقص در رأی آذر ۹۴ دیوان محترم، عدم وجود شاکی خصوصی و...

(۲) باتوجه به موارد فوق و مردود و غیرقانونی بودن استناد به ماده ۲۸۶ در صدور آرا و احکام، قانوناً و عقلاً استناد به تبصره این ماده (۲۸۶) نیز غیرقانونی می باشد.

اما قاضی صلواتی طی حکمی که در تاریخ ۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه ۱۵ به اینجانب ابلاغ نموده، با استناد به تبصره ماده ۲۸۶، محکومیت پنج سال حبس صادر کرده که این اقدام نیز متعاقب صدور آرا و احکام غیرقانونی گذشته و تخلفات قضات قبلی پرونده، فاقد وجاهت قانونی بوده است.

(۳) نقض ماده ۳۱۳ (آ.د.ک) و عدم احتساب کامل مدت بازداشت موقت از بابت اتهام افساد فی الارض: طی حکم صادره فوق الذکر، قاضی صلواتی از حدود هفت سال بازداشت موقت مرا از تاریخ ۹۰/۲/۱۴ تاکنون، بابت اتهام انتسابی افساد فی الارض، فقط ۲ سال آنرا بعنوان ایام بازداشت موقت قبلی محاسبه نموده تا هم بتواند نقض ماده ۲۴۲ (آ.د.ک) را پوشش میدهد و هم اینکه سه سال دیگر نیز مرا در حبس نگهدارد و با این ترفند از بابت بازداشت موقت غیرقانونی قبلی طلبکار نباشم.

لازم به ذکر است که رسیدگی به این اتهام از تاریخ ۹۰/۲/۱۴ تا کنون طی چهار دوره محاکمه و تشکیل جلسات دادگاه غیرقانونی قرار گرفته است.

بار اول: در سال ۹۰ که می‌بایستی بعلت عدم تطابق با قانون قدیم برائت آن صادر میشد، ضمن اینکه اساساً بازداشت موقت من به این اتهام غیرقانونی بوده است. اما پرونده با اعمال نفوذ کارشناسان امنیتی مفتوح گذاشته شده است.

بار دوم: برگزاری جلسات دادگاه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ بدنبال ابلاغ قانون جدید ۹۲ با استناد غیرقانونی به ماده ۲۸۶ آن، حکم غیرقانونی (اعدام) صادر شد که در آذر ۹۴ توسط دیوان عالی محترم کشور بدلیل استناد به قانون موخرالتصویب از یکطرف و عدم تطابق با ماده ۲۸۶ این قانون، از طرف دیگر نقض گردید.

بار سوم: برگزاری جلسات دادگاه در سال‌های ۹۵ و ۹۶ که مجدداً با تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون با استناد دوباره به ماده مردود ۲۸۶، رای غیرقانونی (اعدام) صادر شد که در شهریور ۹۶ باز هم توسط دیوان عالی نقض گردید.

بار چهارم: برگزاری جلسه دادگاه در شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی بعنوان ریاست شعبه هم‌عرض در تاریخ ۹۶/۱۲/۵ که این بار نیز در راستای اقدامات خلافکارانه در خلال هشت سال گذشته (از تاریخ دستگیری غیرقانونی در ۸۹/۱/۲۹)، ایشان مبادرت به صدور محکومیت پنج سال حبس با استناد به تبصره ماده مردود ۲۸۶ قانون موخرالتصویب ۹۲ نمود که بدلائیل فوق‌الذکر، اقدامی غیرقانونی می‌باشد.

۴) نقض ماده ۲۴۲ (آ.د.ک) و عدم رعایت حدنصاب مهلت قانونی مقرر جهت نگهداری در بازداشت موقت: بر طبق این ماده می‌بایستی حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ تفهیم اتهام و بازداشت موقت بابت اتهام افساد فی الارض تکلیف قانونی آن مشخص میشد، درحالیکه از تاریخ ۹۰/۲/۱۴ تاکنون از این بابت در بازداشت موقت هستم.

۵) عدم بیطرفی و عدم توجه به دفاعیات اینجانب و وکلایم و آرا و احکام صادره از دیوان عالی محترم کشور و نقض ماده ۳ (آ.د.ک).

۶) عزل غیرمستقیم وکلای پرونده هشت ساله من و ممانعت از ورود آنها به شعبه ۱۵ از تاریخ ۹۶/۹/۸ زمان مفتوح شدن پرونده در این شعبه به بهانه اعمال ماده ۴۸ (آ.د.ک) بمنظور جلوگیری از اعتراض وکلا نسبت به اقدامات غیرقانونی که این شعبه در تداوم تخلفات قضاوت قبلی پرونده، قصد ارتکاب آنرا داشته، همچنین ممانعت از افشای این اعمال غیرقانونی؛ درحالیکه:

اولاً) ماده ۴۸ هنوز اجرا نشده است.

ثانیاً) مربوط به پرونده‌های امنیتی است که از زمان اجرائی شدن این ماده در دادسرا تشکیل خواهند شد ضمن اینکه پرونده اینجانب هشت سال قبل مراحل مقدماتی خود را گذرانیده و کلیه اتهامات امنیتی وارده در ۹۵/۴/۱۳ منع تعقیب خورده و پرونده از آن تاریخ به بعد امنیتی نبوده است.

ثالثاً) لیست وکلای مورد وثوق قوه قضائیه (طبق این ماده) هنوز منتشر نشده است. رابعاً) این ماده در صورت اجرائی شدن هم مورد قبول متهمین سیاسی-امنیتی نبوده و نخواهد بود تا وکلایی را انتخاب کنند که خودشان نمی شناسند ۶) تکذیب دریافت درخواست تجدیدنظر و فرجام خواهی ارائه شده توسط اینجانب تا این تاریخ، در صورتیکه:

اولاً) در ذیل حکم غیرقانونی صادره با استناد ناموجه به تبصره ماده ۲۸۶ که در تاریخ ۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی به اینجانب ابلاغ گردید، مراتب اعتراض، تجدیدنظر و فرجام خواهی و طرح شکایت خود را از ایشان بواسطه صدور این حکم غیرقانونی و... مکتوب کرده ام.

ثانیاً) متعاقباً درخواستهای فرجام خواهی و شکایت مجدد را در تاریخ های ۹۶/۱۲/۱۲ - ۹۶/۱۲/۲۲ - ۹۶/۱۲/۲۳ - ۹۶/۱۲/۲۶ - ۹۷/۱/۵ - ۹۷/۱/۱۰ - ۹۷/۱/۱۵ به دفتر بازداشتگاه ۲-الف و دادیارهای ناظر زندان اوین آقایان رستمی و حاج مرادی ارائه نمودم که طبق اظهارنظرهای شفاهی این عده، همه درخواستهای فوق به شعبه ۱۵ تحویل داده شده است.

۷) نقض ماده ۴۳۹ (آ.د.ک) و عدم ارائه رسید در قبال دریافت درخواست تجدیدنظر و فرجام خواهی اینجانب که در ذیل حکم ابلاغی در تاریخ ۹۶/۱۲/۱۲ مکتوب نمودم (و سایر درخواستهای کتبی فوق الذکر) بنا به تقاضاهای مکرر از جمله تقاضای حضوری در تاریخ ۹۶/۱۲/۲۷ در محل شعبه از قاضی صلواتی و طفره رفتن ایشان.

۸) ممانعت از ورود وکلای اینجانب به شعبه ۱۵ بمنظور جلوگیری از مطالعه حکم و ارائه درخواست فرجام خواهی توسط آنها تا این تاریخ علیرغم مراجعات مکرر و مداوم به دادگاه انقلاب و سایر مراجع قانونی ذیربط جهت برطرف کردن این معضل که قاضی صلواتی برای سرپوش گذاردن به حکم غیرقانونی صادره و ایجاد مانع در روند فرجام خواهی و خنثی سازی توطئه و دسیسه اجرا شده توسط ایشان در مسیر مدافعه بنده و برخی دیگر از متهمین سیاسی - امنیتی - عقیدتی ایجاد کرده است که ناشی از خودمختاری این شعبه و انحصاری بودن قانون در دست عده ای

از قضات دادگاه انقلاب می باشد که بنا به سفارش کارشناسان امنیتی عمل میکنند. همچنین شعبه ۱۵ با وجودیکه وکلا بالاجبار درخواست فرجام خواهی خود را برای آن پست سفارشی کرده اند؛ اما کماکان تاکنون دریافت درخواستهای فرجام خواهی را از هر فرد و مرجعی تکذیب میکنند (حتی از خود من که در ذیل حکم ابلاغی مکتوب نموده ام).

۹) اقدام به بازداشت غیرقانونی طبق ماده ۵۸۳ (ق.م.ا) باتوجه به نامشخص بودن حکم مربوط به بازداشت اینجانب در بازداشتگاه امنیتی ۲-الف اوین.

۱۰) عدم موافقت با انتقال اینجانب به زندان عمومی اوین تا تعیین تکلیف نهائی پرونده علیرغم چندین بار تقاضای کتبی.

۱۱) اطاله وقت دادرسی از تاریخ ۹۶/۹/۸ (صرف نظر از دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی چندین سال گذشته) که می بایستی بعنوان شعبه همعرض به دلایل مکتوب پیوست و استناد به آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶، حکم برائت از اتهام انتسابی افساد فی الارض و فک بازداشت موقت فوری اینجانب را صادر می کرد.

در خاتمه با توجه به توضیحات ارائه شده، توطئه و دسیسه دیگری در راستای اقدامات غیرقانونی و خلافکارانه هشت سال گذشته مبنی بر دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی، صدور حکمهای غیرقانونی اعدام (که بمنزله اقدام به شروع قتل عمد و ترور فیزیکی از طریق تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون بوده است)، ترور شخصیتی و... در دست اجرا می باشد (که متعاقباً به اطلاع میرسد). لازم به ذکر است برخی از قضات دادگاه انقلاب اسلامی با اطمینان از مصونیت قضائی خود و اینکه هیچ مرجعی در ایران اسلامی به شکایت علیه آنها رسیدگی نمیکند، اقدام به زیر پا گذاردن علنی و آشکار قانون می نمایند.

* جناب قاضی طیرانی

۱) تأیید حکم غیرقانونی اعدام صادره شهریور ۹۶ شعبه ۲۶ (به ریاست قاضی احمدزاده) بعنوان قاضی دوم

۲) عدم بیطرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده و نقض ماده ۳ (آ.د.ک)

۳) تحقیر اینجانب در جلسات دادگاه و جلوگیری از ارائه دفاعیات و توضیحات شفاهی توأم با تهدید به تعطیلی جلسه دادگاه در صورت ادامه توضیح و دفاع.

قسمت B

بازبینی بعضی از قوانین، معایب و کاستی‌ها و سوءاستفاده از آنها

۱- بررسی موضوع خودکشی برخی از متهمین سیاسی-امنیتی در بازداشتگاه‌ها و علل و انگیزه آنها:

همانطوریکه در شکایت قبلی به اختصار به اطلاع رسانیدم اینجانب در سال ۹۰، در بازداشتگاه ۲-الف، چهار بار اقدام به خودکشی نمودم (که هر چهار بار ناموفق بود). اما انگیزه من از اقدام به خودکشی، اجتناب از ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری و انجام مصاحبه در این مورد بود از جمله اعتراف دروغ به داشتن ارتباط با آمریکا و... کارشناسان امنیتی تهدید می‌کردند که در غیر اینصورت، به همسرم صدمه خواهند رساند و در نتیجه فرزندانم بی‌سرپرست خواهند شد و من که به هیچ عنوان حاضر به ارائه اعترافات کذب و انجام مصاحبه در این مورد نبودم و از طرف دیگر هم تحمل صدمه رسیدن و لطمه دیدن خانواده‌ام را نداشتم تنها راه چاره خاتمه بخشیدن به این وضعیت و دسیسه و توطئه طراحی شده توسط کارشناسان امنیتی را در اقدام به خودکشی می‌دیدم. زیرا این عده نقش خود را در ایجاد رعب و وحشت و پیاده کردن این تهدید چنان به خوبی و حرفه‌ای ایفا نمودند که من تهدید آنها را کاملاً جدی گرفته بودم که در صورت عدم انجام این کار (ارائه اعترافات کذب دیکته شده)، در نهایت سنگدلی و بیرحمی، حتماً تهدید خود را عملی خواهند کرد.

اما اقدامات خلاف قانون کارشناسان امنیتی برای گرفتن اعترافات کذب و غیر واقع به این دلیل است که بیش از ۹۰٪ دستگیری‌های متهمین سیاسی - امنیتی بدون در دست داشتن هرگونه دلیل و مدرک صورت می‌گیرد و صرفاً براساس پاپوشهای طراحی شده و... این عده دستگیر می‌شوند (مانند دستگیری من در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ به اتهامات عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و... که بعلت عدم وجود هرگونه دلایل و مدارک و ادله اثبات جهت ارائه به دیوان عالی کشور مطابق رأی صادره در آذر ۹۴ دیوان محترم، منع تعقیب اتهامات عضویت در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترورهای انجام شده، تهدید افراد متعدد، ارتداد، ساب النبی(ص)، داشتن

شاکیان متعدد، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، ایجاد تشکیک در اعتقادات مذهبی هزاران نفر و... در سال ۹۵ صادر شد) درحالیکه بازپرس بدون در دست داشتن دلایل و مدارک لازم و کافی حتی حق احضار کسی را هم ندارد، چه برسد به اقدام به دستگیری و بازداشت موقت افراد (ماده ۱۶۸ آ.د.ک). یعنی در واقع ابتدا افراد مورد نظر را بر طبق سناریوهای از قبل نوشته شده، دستگیر نموده و سپس از طریق خوداقراری کذب دیکته شده در خصوص اتهامات منتسب به آنها و گرفتن مصاحبه فرمایشی این اعترافات، نقصان و عدم وجود مدارک لازم و کافی بمنظور صدور حکم جلب و بازداشت موقت افراد را جبران می‌کنند (البته با همکاری بازپرس با کارشناسان امنیتی).

موضوع مهم فوق با سوءاستفاده از برخی از مواد قانونی که برای تحقق این اهداف از قبل پیش بینی شده و همچنین نادیده گرفته شدن برخی دیگر از مواد قانون یا قسمت‌هایی از یک ماده قانونی، پیاده می‌شود. برای مثال در ماده ۱۷۱ (ق.م.ا) آمده است: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد. مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در اینصورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مختلف اقرار را در رأی ذکر میکند». با توجه به این ماده وقتی از متهم، اقرارنامه کذب دیکته شده کتبی و مصاحبه در این مورد اخذ شده، نیاز به هیچ مدرک و دلیل دیگری نمی‌باشد تا مشخص شود که بازپرس با در دست داشتن چه مدرک و استناد معتبر قانونی، حکم جلب و بازداشت موقت فرد را صادر نموده، بویژه با توجه به اینکه قضات دادگاه انقلاب نیز هرگز در مورد نحوه گرفتن اعتراف از متهم و مصاحبه او، سوال نمی‌کنند و به دنبال کشف هیچگونه اختلافی در قرائن و امارات مفاد اقرار هم نمی‌باشند. در صورتیکه خود متهم نیز در مورد شیوه و نحوه غیرقانونی گرفتن اقرار و زوری و کذب و خلاف واقع بودن آن و مصاحبه مربوطه هم قاضی را مطلع کند، نه تنها به گفته وی ترتیب اثری داده نمی‌شود، بلکه از سوی قاضی و نماینده دادستان بشدت با متهم برخورد می‌شود (با استناد به فیلم‌های جلسه دادگاه غیرقانونی اینجانب در سال‌های ۹۰ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶) ضمن اینکه معمولاً قبل از جلسه دادگاه، متهم در خصوص عدم طرح اینگونه موارد توجیه شده و مورد تهدید قرار می‌گیرد که از صحبت‌های متفرقه (در مورد نحوه بازجویی و...) جداً خودداری نماید (خود من تهدید شدم که اگر در دادگاه حرف‌های متفرقه بزنم، اقدام به دستگیری همسرم خواهند کرد که در نتیجه با

طرح شکایت در این مورد در دادگاه اقدام به بازجوئی از همسر و دخترم بنام مأمورین وزارت اطلاعات در مکان غیررسمی در سال ۹۲ و متعاقباً اقدام به دستگیری و حبس در سلول انفرادی همسرم در سال ۹۳ و پس از آن نیز هر ساله مبادرت به درست کردن پرونده و پاپوشی برای ایشان نموده تا از این طریق اعمال فشار نموده و اعمال مجرمانه آنها سر به مهر و پوشیده باقی بماند و در صورت اصرار متهم مبنی بر بی‌اعتباری اعترافات و مصاحبه‌های کذب زوری اخذ شده و درخواست او برای تنظیم صورتجلسه مبنی بر عدم وجاهت قانونی این اسناد و مدارک (ماده ۱۶۹ آ.د.ک) رد شده و مورد حمله و اتهام مبنی بر سیاه نمائی، نشر اکاذیب و... نیز قرار می‌گیرد و در نهایت از تنظیم صورتجلسه و قبول این موضوع اجتناب می‌شود همانگونه که به استناد فیلمهای جلسات دادگاهها و دفاعیاتم از تنظیم صورتجلسه برای اعلام بی‌اعتباری مصاحبه کذب زوری اخذ شده از من طفره رفته و امتناع بعمل آمده است. همچنین با توجه به اینکه طبق ماده ۱۷۲ (ق.م.ا) درجرائم سیاسی - امنیتی و عقیدتی فقط یک بار اقرار متهم جهت ثبوت جرم کافی است و طبق ماده ۱۷۳ (ق.م.ا) انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست. بنابراین با گرفتن اقرارهای کذب دیکته شده زوری از متهم، نقض و انکار آن دیگر غیرممکن است و قضات دادگاه انقلاب نیز هرگز چنین انکاری را نمی‌پذیرند و به هیچگونه شکایت و اعتراضی در این مورد هم ترتیب اثر نمی‌دهند. هر چند که طبق ماده ۱۶۹ (آ.د.ک) اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه یا اذیت و آزار روحی و جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است اما ضمن وجود تناقض آشکار بین ماده ۱۶۹ (آ.د.ک) و ماده ۱۷۳ (ق.م.ا)، در عمل تصور نمی‌شود که حتی یک مورد اقرار متهمین به دلیل اخذ به زور و اکراه و شکنجه و... بی اعتبار شناخته شده باشد. درحالیکه غیر از خود من، حداقل چندین نفر دیگر که به زور و تهدید از آنها اعتراف گرفته شده، مشخصاً در بازداشتگاه ۲-الف با آنها مواجه شده‌ام (بعنوان مثال در شکایت قبلی از آقای محسن احمدیان نام بردام)

در مورد کافی بودن گرفتن یک بار اقرار (طبق ماده ۱۷۲ ق.م.ا) جهت صدور حکم برای متهمین سیاسی - امنیتی - عقیدتی، گذشته از توسل به زور و تهدید، ارعاب و وحشت و... روشهای مکارانه نیز با اعمال فریب و نیرنگ و اغوا برای گرفتن آن از متهمین بکار گرفته می‌شود، برای مثال: بازپرس اسدی و کارشناسان امنیتی پرونده گذشته از توسل به روشهای قهرآمیز به من می‌گفتند در صورتیکه به اتهامات افساد فی الارض، ارتداد، ساب النبى(ص) و... فقط یکبار اعتراف کنم، می‌توانم بلافاصله

توبه نموده و در اینصورت حکمهای اعدام (۱۵ حکم جعلی اعدام که توسط بازپرس اسدی با ادعای اخذ از مراجع محترم تقلید به رویت من رسیده بود) بی‌اثر شده و من فوراً آزاد می‌شوم. اما در صورتیکه این فریب و اغوا مؤثر واقع می‌شود و من که هیچگونه آشنائی با قانون نداشتم و در آن زمان (سال ۹۰) از صحت و سقم حکمهای جعلی اعدام فوق‌الذکر اطلاعی نداشتم (و بعداً در دادگاه از طریق وکیل متوجه شدم که این حکمها جعلی بوده‌اند) قبول کرده بودم، بطور قطع با توجه به اعترافات صریح خود تاکنون اعدام شده بودم؛ ولیکن صرفاً بعلت اینکه چنین اتهاماتی را در مورد خودم غلط دانسته و قبول نداشتم، حتی به این منظور هم حاضر به ارائه چنین اعترافات کذبی نشدم. به این ترتیب مشخص می‌شود که به احتمال زیاد عده بسیاری نیز تحت تأثیر این فریب و نیرنگ‌ها (گذشته از اعمال زور و تهدید) اعترافات کذب نموده و نه تنها جان خود را از دست دادند، بلکه کارشناسان امنیتی با سوءاستفاده از این اعترافات کذب اقدام به ترور شخصیتی آنها نیز نمودند و...

اما در این رابطه یکی از مهمترین دلایل خودکشی متهمین سیاسی - امنیتی - عقیدتی در بازداشتگاهها وجود عواملی است نامرئی که این عوامل هرگز در فیلمهای ضبط شده بازداشتگاهها قابل مشاهده نیستند ولی افراد را به آستانه خودکشی می‌کشاند و آنها را وادار و مجبور به انجام این کار میکند که در اینجا بر اساس تجربه شخصی خود در این مورد به آن توجه می‌شود.

این عامل مهم، واکنش برخی از افراد در مواجهه با تهدید و شرایط نامتعارف و اعمال شکنجه‌های روانی که بمنظور گرفتن اعترافات کذب زوری دیکته شده و مصاحبه‌های دروغین و... بر روی آنها پیاده می‌شود و این عده افرادی شرافتمند و غیور هستند که هرگز زیر بار چنین شگردهای غیرانسانی که با نشانه رفتن امنیت خانواده متهم از طریق تهدید به صدمه رسانیدن به اعضای آن، دستگیری و حبس آنها، گروگان گیری و... می‌خواهند سناریوهای از پیش تعیین شده خود را محقق کنند، نمی‌روند و مرگ را به زندگی ننگینی که در آن خواهند بازیچه دست اهداف شوم عده‌ای کارشناس امنیتی قرار بگیرند، ترجیح می‌دهند. با آغوش باز به استقبال مرگ می‌روند و با شجاعت تمام اقدام به خودکشی می‌کنند تا نقشه کثیف مشتی انسان‌های بی‌سر و پا که در نظر دارند حقایق را به گونه‌ای که خود می‌خواهند، جلوه بدهند، نقش برآب شود. در نتیجه، با این انگیزه با هر وسیله ممکن در بازداشتگاه، اقدام به خودکشی می‌نمایند (مانند خود من) درحالیکه استناد

کارشناسان امنیتی به فیلم خودکشی این افراد، به هیچ وجه بیانگر حقایق پشت صحنه این خودکشی‌ها نیست و هرگز دربرگیرنده علتی که باعث ایجاد چنین انگیزه‌ای در این گروه از متهمین شده، نمی‌باشد. در اصل این نوع خودکشی‌ها، «خودکشانی» هستند که فرد با قرار گرفتن در معرض تهدیدها و رفتارهای غیرانسانی، غیرقانونی، غیراخلاقی و... به این عمل واداشته می‌شود.

در همین راستا نیز در برخی از موارد دیده شده که رفتارهای ناشایست و نقض کرامت انسانی بعضی از متهمین (س.ا.ع)، آنها را تا آستانه خودکشی و راضی شدن به مرگ رسانده است. برای مثال رفتار بسیار شنیع با یکی از متهمین جانباز ۴۰٪ با ۲۶ ماه سابقه حضور در جبهه به نام حسین محمدنژاد اردشیری که به گفته خود ایشان، سومین نوجوانی بوده که پس از شهید فهمیده به جبهه عزیمت نموده است، او را در قسمت زیرین ساختمان بازجوئی بازداشتگاه ۲-الف درحالیکه دست و پایش را بست‌اند، بصورت نمادین مورد تجاوز قرار داد‌اند (یکی از شگردهای ایجاد رعب و وحشت و رساندن متهم (س.ا.ع) به این باور که کارشناسان امنیتی افرادی هستند که دست به هرکاری می‌زنند و هیچ اعتقادی به دین، خدا، پیامبر(ص)، ائمه علیهم السلام، وجدان، شرف، رحم، انصاف و... ندارند و به راحتی هر تهدیدی را عملی می‌کنند، اقدام نمودن به فحاشی‌های کثیف، ارتکاب اعمال وقیحانه و... می‌باشد تا از این طریق تهدیدات آنها جدی تلقی شود و متهم تحت تأثیر این اعمال و رفتار زشت و زننده، امید خود را از اخلاقمداری و وجدان کارشناسان امنیتی از دست داده، مقاومت کمتری نموده و زودتر و راحتتر اعترافات کذب دیکته شده زوری مورد نظر آنها را ارائه نماید و در این خصوص مصاحبه های کارگردانی شده را بعمل آورد.

نمونه این اعمال شنیع در سال ۸۸ به وفور در بازداشتگاه کهریزک رخ داده و...). ایشان در خلال چند ماهی را که با من هم اتاق بودند ۹۳/۸/۶ تا ۹۳/۱۰/۳۰، بارها برایم می‌گفتند که پس از دیدن این اعمال و رفتار وقیحانه چندین بار به فکر خودکشی افتاده و به مرگ راضی و راغب بوده و اگر این کار را انجام نداده، فراهم نبودن شرایط و ملاحظه بعضی از مسائل او را از این کار بازداشته است. همچنین ایشان بارها ضمن اینکه ساعتها بشدت گریه می‌کرد، بمن می‌گفت آقای طاهری، ما اسیر دست چه کسانی هستیم؟ اینها کی هستند؟ از کجا آمد‌اند؟ و...؟ من هم پاسخ‌هایی به ایشان می‌دادم، از جمله: این عده هر که هستند باعث شده‌اند که ما به شرافت مأمورین ساواک و... پی ببریم تا حق آن شکنجه‌گراها چندان هم ناحق

نشود، زیرا آنها هر کار ناروایی که انجام دادند، حداقل نام خدا، دین، پیامبر(ص)، ائمه علیهم السلام و... را برای مقاصد دنیوی، قدرت طلبی، انحصار طلبی و... بازیچه دست خود قرار ندادند و در ضمن از هیچ کسی هم نخواستند که مطابق سناریوهای از قبل طراحی شده آنها، اعترافات کذب خلاف واقع نماید و مصاحبه‌های دروغین انجام دهد و... از موارد تأسفانگیز دیگری که این جانباز دلسوخته همواره با تأثر و اندوه غیر قابل وصفی از آن یاد می‌کرد، این بود که وقتی به کارشناسان امنیتی توضیح داده که در نوجوانی (در ۱۳ سالگی و سومین نوجوان بعد از شهید فهمیده) به جبهه رفته آنها به او گفته‌اند که حتماً برای فلان کار ناشایست (بهتان کثیف و قیحانه) به جبهه رفته و...

یکی دیگر از ترفندهای گرفتن اعترافات کذب دیکته شده از افراد سوژه (سیاسی، امنیتی، عقیدتی)، دستگیری آنها به گونه‌ای است که در ابتدا بیشتر به گروگان‌گیری شبیه می‌باشد تا دستگیری توسط مأمورین قانون، این اشخاص پس از دستگیر شدن بصورت خصوصی، با چشمان بسته به اماکن شخصی منتقل شده و در آنجا تحت شگردهای خاص و تمهیدات ویژه قرار گرفته و از آنها خواسته می‌شود تا مطالبی را که مورد نظر آنهاست، اعتراف کرده و مصاحبه کنند تا فرد را آزاد کنند و چون شخص دستگیر شده به احتمال زیاد این ماجرا را صرفاً یک گروگان‌گیری اشتباهی ناشیانه تصور می‌کند و هرگز فکر نمی‌کند که این عده مأمورین قانون هستند که به چنین عمل مجرمانه‌ای دست زده و او را به منزل شخصی آورده‌اند و گرفتن چنین اعترافات را اصلاً جدی نمی‌گیرد، برای خلاصی از این وضعیت و رها شدن از چنگال این عده بظاهر گروگان‌گیر، با آنها همکاری نموده و پس از تمرین‌ها و تکرارهای لازم اقدام به مکتوب نمودن اعترافات و مصاحبه تصویری در این مورد می‌نماید. اما پس از خاتمه این روند بجای اینکه به قول خود عمل نموده و او را آزاد کنند، فرد را با چشمان بسته به بازداشتگاه منتقل و به تیم دیگری از کارشناسان امنیتی تحویل می‌دهند و این عده جدید با در دست داشتن اقراریه و مصاحبه اخذ شده، با او مواجه شده و به هیچ وجه انکار و توضیحات وی را درمورد چگونگی و نحوه اخذ این اقراریه را از او نمی‌پذیرند و وانمود می‌کنند که هرگز چنین اتفاقی امکانپذیر نیست و به او گفته می‌شود که میخواهد پس از اقرار کتبی و تصویری آنرا تکذیب کند (که طبق ماده ۱۷۳ ق.م.ا انکار پس از اقرار قابل قبول نیست) و به این ترتیب به سوژه القا می‌شود که قصد سیاه‌بازی و نشر اکاذیب دارد و... (اینجانب مشخصاً در بازداشتگاه شخصاً با چنین موردی برخورد داشته‌ام ولی

اجازه افشای نامش را ندارم - خود من نیز تجربه چندین ماه بازجویی در مکان شخصی را بنوعی دیگر داشته‌ام).

بنابراین، باتوجه به توضیحات پیش گفته، بمنظور جلوگیری از این خودکشانیه‌ها لازم است تمهیداتی در قانون و اجرای آن بکار گرفته شود از جمله:

- در اجرای دقیق ماده ۱۶۸ (آ.د.ک) باید اسناد و مدارکی که بازپرس با استناد به آنها حکم جلب و بازداشت موقت متهم سیاسی- امنیتی- عقیدتی را صادر نموده، (قبل از آغاز روند بازجویی کارشناسان امنیتی) بصورتی کاملاً واضح و مشخص و بنحوی مستدل و مستند و غیر خوداقراری که ثابت نماید هنگام دستگیری فرد، این مدارک متقن و غیر قابل تردید موجود بوده و در دبیرخانه محرمانه رایانه دادرسی امنیتی برحسب تاریخ، دارای شماره ثبت باشد.

لازم به ذکر است که دستگیری اکثر متهمین (س.ا.ع) بدون ارائه حکم جلب و کارت شناسائی مأمورین امنیتی و صرفاً با توسل به زور صورت می‌گیرد و پس از دستگیری جهت طی نمودن تشریفات قانونی و صدور قرار بازداشت موقت، نزد بازپرس اعزام می‌شوند، مانند دستگیری من در ۸۹/۱/۲۹ و بدون ارائه حکم جلب و... به اتهامات بدون دلیل و مدرک که منع تعقیب آنها در ۹۵/۴/۱۳ صادر شد و با این نیت این اتهامات را بمن وارد کرده بودند که بتوانند از طریق خوداقراری از من اعتراف بگیرند و کار را تمام کنند. به این ترتیب تعداد زیادی از متهمین (س.ا.ع) در زیر بار فشارها و تهدیدهای وارده تاب نیاورده و مجبور به خوداقراری کذب می‌شوند و افرادی نیز مانند شهید ستار بهشتی که تسلیم این ترفند غیرانسانی نمی‌شوند و با تشدید فشار و اعمال ضرب و شتم، بر حسب اتفاق به قتل می‌رسند و یا افراد شرافتمندی مانند سیدامامی اقدام به خودکشی را بر زندگی ننگین بواسطه ارائه اعترافات کذب دیکته شده یا صدمه رسیدن به اعضای خانواده‌هایشان ناشی از تهدیدات غیرانسانی کارشناسان امنیتی ترجیح می‌دهند. «روحشان شاد» بدون شک اگر از بازپرس‌های این افراد خواسته شود تا مدارکی را که براساس آن حکم جلب و بازداشت موقت این افراد را صادر کرده‌اند، ارائه دهند، هیچگونه سند و مدرک معتبر و دنیاپسندی که محافل قانونی بین‌المللی آنرا بپذیرند و یا حتی هر انسان معمولی بی‌طرفی آنرا موجه بداند، در اختیار نداشته‌اند و صرفاً به سفارش کارشناسان امنیتی عمل نموده‌اند و امید این عده نیز به گرفتن اقرار کذب زوری دیکته شده بوده است و فقط بمنظور تحقق بخشی به سناریوهای از قبل نوشته شده، اقدام به دستگیری این افراد نموده‌اند.

- ترتیبی اتخاذ گردد تا خوداقراری صرف در مورد متهمین سیاسی- امنیتی- عقیدتی بدون وجود اسناد و مدارک و ادله اثباتی ثبت شده به هنگام صدور حکم جلب و بازداشت موقت این عده، فاقد ارزش و اعتبار قانونی شناخته شود و اعتراف به جرم نیز فقط نزد قاضی و در دادگاه (بویژه علنی) و با حضور وکیل یا وکلای متهمین و جاهت قانونی داشته باشد (زیرا اگر فیلمهای بازجویی از متهمین س.ا.ع بویژه آنها که اقدام به خودکشی کرده‌اند، مورد بازبینی قرار بگیرد بطور قطع شاهد ایجاد رعب و وحشت و تهدید خانواده‌ها و اعمال فشارهای مختلف توسط کارشناسان امنیتی پرونده بمنظور گرفتن اقرارهای کذب دیکته شده زوری از متهمین خواهیم بود).

- ابلاغ رسمی، قانونی و علنی کیفرخواست، آرا و احکام دادگاهها و همچنین علنی بودن دفاعیات متهمین (س.ا.ع- به غیر از مواردی که حاوی مطالب طبقه‌بندی شده و محرمانه و یا منافی عفت می‌باشد) و وکلای آنها بمنظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های رایج از جمله عدم دسترسی متهمین و وکلا به مدارک قانونی جهت ارائه شکایات خود در مورد نقض آیین‌نامه دادرسی و حقوق شهروندی، نقض قانون مجازات اسلامی و تخطی و انحراف از آن (مانند آنچه که برای خود من به کرات در همه موارد فوق رخ داده است) و... زیرا هرچند که در قانون پیش بینی شکایت از کلیه مقامات و عوامل قضائی در آئین نامه دادرسی کیفری بعمل آمده، ولیکن متهمین (س.ا.ع) هیچگونه امکان تحویل شکایت خود را به مراجع قانونی در اختیار ندارند و در صورت رسانیدن نیز آنها و وکلایشان به مدارک رسمی و قانونی صادره از شعب دادگاه انقلاب، جهت ارائه و اثبات ادعای خود، در اختیار ندارند و تحقیقات و استعلام این مراجع قانونی هم به نتیجه‌ای نمی‌رسد و همین امر موجب بی‌پروائی مسؤولین قضائی دادگاه انقلاب و کارشناسان امنیتی و... گردیده است (برای مثال: شکایات اینجانب از سال ۹۰ تاکنون هیچ نتیجه‌ای بدنبال نداشته است و ادامه طرح شکایات از جمله این شکوائیه، صرفاً بر اساس انجام وظیفه انسانی و شرعی می‌باشد، تا بلکه این گزارش‌ها، حداقل در جایی ثبت شوند).

- ارائه ادله اثبات موارد ادعایی در کیفرخواست: زیرا طبق روال مرسوم، در ابتدای جلسه دادگاه، کیفرخواست توسط نماینده دادستان قرائت شده و قاضی از متهم می‌خواهد به موارد مطرح شده پاسخ دهد و کسی در دادگاه خود را موظف به ارائه دلایل و مدارک و اثبات ادعاهای مطرح شده در کیفرخواست نمی‌داند و معمولاً هیچ توجهی نیز به تکذیب و انکار متهم هم نمی‌شود و متعاقباً هیچ مرجعی نیز به

شکایات او در این مورد و در بسیاری از موارد هم به تقاضای اعاده دادرسی متهم رسیدگی نمی‌شود (این موارد را شخصاً از سال ۹۰ تاکنون تجربه نموده‌ام). باتوجه به اینکه اتهامات و ادعاهای مطروحه در کیفرخواست علیه متهمین (س.ا.ع) بطور عمده پاپوش می‌باشد و فاقد اسناد و مدارک معتبر است و مطابق آنچه که گفته شد، محاکمه افراد و صدور حکم محکومیت آنها صرفاً مبتنی بر خوداقراری می‌باشد. بنابراین برای جلوگیری از این ترفند، ارائه ادله اثبات در مورد بند موضوعات و ادعاهای مطرح شده در کیفرخواست امری بسیار لازم و ضروری می‌باشد که می‌تواند تا حد زیادی جلوی این ترفند را بگیرد، بویژه اینکه بسیاری از اسناد و مدارک مورد استناد در کیفرخواست نیز جعلی بوده و یا جزء مواردی هستند که به زور از متهم، تأیید آنها دریافت کرده‌اند.

- خارج نمودن قانون از انحصار کارشناسان امنیتی درمورد متهمین سیاسی-امنیتی- عقیدتی که به جرأت می‌توان گفت عمده مفاد قانون آیین نامه دادرسی کیفری و حقوق شهروندی در مورد آنها رعایت نمی‌شود و یا مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. برای مثال: طبق ماده ۶۴ (ا.د.ک) یکی از جهات قانونی شروع به تعقیب افراد طبق بند ت آن، اظهار و اقرار متهم می‌باشد که طبق مطالب و توضیحات پیش گفته به راحتی آنها از افراد سوژه دریافت می‌کنند و یا عدم رعایت ماده ۴ (ا.د.ک) «اصل برائت» است که به موجب آن همه بیگناه هستند مگر آنکه خلاف آن در دادگاه صالحه به اثبات برسد. درحالی‌که این اصل برای مأمورین امنیتی هیچگونه معنا و مفهومی ندارد. همچنین اصل «البینه علی المدعی» که طبق آن اثبات ادعا با مدعی است ضمن اینکه در سیستم قضائی دادگاه انقلاب این متهم است که باید بی‌گناهی خود را به اثبات برساند. و دادگاه هیچگونه مسؤلیتی برای اثبات جرم متهم (که بطور عمده پاپوش می‌باشند) برای خود قائل نیست. کارشناسان امنیتی پرونده که فقط سؤال‌کننده هستند و جز داد و فریاد کردن، هنر دیگری ندارند و اگر هم پاسخی بدهند صرفاً در مسیر پیشبرد اهداف خودشان می‌باشد (برای مثال: در ابتدای دستگیری و بازداشت موقت من در ۸۹/۱/۲۹ در پاسخ به سؤال من که با چه سند و مدرکی مرا دستگیر و این اتهامات کذب عضویت در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و... را بمن چسبانده‌اند با اطمینان خاطر کامل می‌گفتند که مدارک محفوظ است و آنها هرگز در مورد دستگیری افراد اشتباه نمی‌کنند و این متهم است که در مورد اتهامی که به او وارد شده، باید برای ما مانند بلبل چهچه بزند و هرچه به او گفته می‌شود، قبول کرده و اعتراف کند و کار آنها ارائه سند و

مدرک به متهم نیست و... تا سرانجام در سال ۹۵ بنا به درخواست دیوان عالی محترم کشور جهت ارائه ادله اثبات این اتهامات، بدلیل عدم وجود هرگونه سند و مدرکی حتی یک برگ کاغذ، منع تعقیب اتهامات وارده صادر شد و مشخص گردید که در زمان دستگیری و بازداشت موقت من، صرفاً از این اتهامات بعنوان پاپوش استفاده شده و این اقدامات غیرقانونی، ناشی از انحصاری بودن قانون در دست کارشناسان امنیتی و دادرها و شعب دادگاه انقلاب وابسته به آنها می‌باشد که به میل خود قانون را بازیچه دست خود قرار دادند و در مواردی هم که شگردهای مختلف پیش گفته در مورد گرفتن اعترافات کذب دیکته شده مؤثر نیفتد و یا بر اثر حوادثی معجزه‌آسا (مانند مداخله دیوان عالی محترم کشور و... که جلوی صدور آرا و احکام غیرقانونی و نقض احکام صادره خلاف قانون و... مثل آنچه که در مورد آرا و احکام اعدام صادره به اتهام افساد فی الارض و مفتوح بودن سایر اتهامات رخ داده است که باعث منع تعقیب سایر اتهامات و نقض آرا و احکام غیرقانونی اعدام گردید و برای اتهام انتسابی افساد فی الارض با استناد به آرای دیوان عالی محترم کشور، الزام به صدور برائت می‌باشد)، بی‌گناهی متهم ثابت شود و معلوم گردد که دستگیری و بازداشت موقت و آرا و احکام صادره غیرقانونی بوده است و الزام به صدور رأی برائت در دادگاه انقلاب اجتناب ناپذیر باشد، با این بهانه که مگر می‌شود کسی در دادگاه انقلاب محاکمه شده و تبرئه شود، اقدام به گروکشی می‌نمایند به این‌صورت که فرد را مجبور به پذیرفتن محکومیت سبکتر دیگری می‌کنند و اگر تمکین نکرده و تسلیم به رأی نشود و تقاضای تجدیدنظر و فرجام خواهی دهد، دریافت این تقاضا و درخواست را تکذیب می‌کنند و رأی دادگاه بدوی را که صادر شده معلق نگه می‌دارند و هیچ مرجعی نیز به شکایت در این مورد رسیدگی نمی‌کند (مانند آنچه که هم اکنون برای اینجانب رخ داده و من و وکلایم مستأصل و عاجز مانده ایم!!!) بدین ترتیب و با این شگردها هیچکسی نباید بواسطه دستگیری و بازداشت موقت ناموجه از قوه قضائیه طلبکار باشد و ادعای ضرر و زیان مادی و معنوی بنماید لذا با صدور رأی غیرقانونی دیگری سعی در بدهکار کردن فرد و باقی ماندن مدتی دیگر در حبس نموده تا از اعاده حیثیت وی جلوگیری بعمل آورند و در صورت اعتراض فرد به حکم صادره مجدداً مبادرت به اقدامات خلافکارانه و غیرقانونی جدیدی می‌کنند و این روند همچنان بصورتی سازمان یافته و مافیائی تداوم می‌یابد.

۲- برخی از ترفندهای پاپوش و پرونده سازی:

الف) واگذار نمودن بخشی از فعالیتهای سازمانها و نهادهای امنیتی به بخش خصوصی، تحت پوشش قانون و یکی از ترفندهای کم سابقه بکار گرفته شده بمنظور پاپوش و مدرک سازی، نشر اکاذیب، مستندسازیهای جعلی و... برای تأمین ادله اثبات دروغین جهت موجه و مستدل نشان دادن کیفرخواست صادره موهومی متهمین (س.ا.ع) بویژه از گروه عقیدتی، واگذار نمودن این مأموریت به بخش خصوصی ویژه‌های شامل مؤسسات، NGOها و تشکلات خاص می‌باشد که ظاهراً خصوصاً بوده و درکسوت‌های مختلفی به فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و... مشغول هستند اما در اصل گردانندگان و اعضای آنها همگی از کارشناسان امنیتی می‌باشند که با دریافت بودجه‌های کلان بر اساس مأموریت‌های از پیش تعیین شده، اقدام به نشر اکاذیب، جوسازی، ترور شخصیتی سوژه‌های مورد نظر اعم از فرد، گروه و... می‌نمایند و در این رابطه از همه امکانات نهادها، وزارتخانه‌ها، صداوسیما و کلیه امکانات رسانه‌ای مختلف بهره‌برداری می‌کنند. سپس اکاذیب و اسناد جعلی و... منتشر شده که با استفاده از رسانه‌های مختلف از جمله رسانه ملی در سطح گسترده صورت می‌گیرد (شامل: مقالات، مجلات، کتب، فیلمها، کلیپ‌های صوتی، تصویری، برگزاری همایشها، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، تهیه گزارشها و مصاحبه‌های خلاف واقع با بهره گرفتن از شهود دروغین و...) بعنوان اسناد و مدارک مستند متقن و غیر قابل انکار مورد استناد جهت تشکیل پرونده و دستگیری افراد، بازداشت موقت و بازجویی و اخذ اعترافات کذب دیکته شده، صدور کیفرخواست و حکم مجرمیت و... بدون آنکه این اسناد و مدارک قبلاً در دادگاه صالحه‌ای به اثبات رسیده باشند (کلیه موارد فوق‌الذکر در مورد اینجانب به مورد اجرا گذارده شده است) که براساس فتوای مراجع عظام تقلید، فعل حرام می‌باشد.

ب) استفاده از برجسبهای مجعول، موهومی و عناوین مجرمانه قبل از اثبات در دادگاه:

یکی از شگردهای رایج خلاف قانون که کارشناسان امنیتی بخوبی از آن در پیشبرد اهداف خود سود می‌برند استفاده جا علانه از برجسبها و عناوین مجرمانه است قبل از آنکه این برجسبها و عناوین در دادگاهی به اثبات رسیده باشد و یا حتی به سوژه مورد نظر تفهیم اتهام و یا دستگیر شده باشد. در این رابطه کارشناسان امنیتی در گزارشهای اولیه خود و استعلامهای ارسالی به نهادها،

وزارتخانه‌ها و... درباره فرد موردنظر اقدام به استفاده از این برچسبها و عناوین می‌نمایند، بطوریکه وقتی سوژه مورد نظر را دستگیر می‌کنند پیشاپیش و قبل از تشکیل دادگاهی، قرار مجرمیت فرد را صادر نموده‌اند که این عمل ضمن نقض اصل برائت و حقوق شهروندی، فلسفه وجودی محاکمه و دادگاه را بشدت زیر سؤال می‌برد. در ضمن در کلیه مراحل بازجویی، بازپرسی و جلسات دادگاهها از این برچسبها و عناوین مجرمانه بصورت تلقینی در طرح سؤالات مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین در حوزه نشر اکاذیب و ترور شخصیتی که در مورد قبل توضیح داده شد در سطح گستردهای از این برچسبها و عناوین مجرمانه استفاده می‌شود تا حدی که مطمئن شوند آنها در افکار عمومی و اذهان مردم جا انداخته‌اند بطوریکه در دادگاه نیز کاملاً محرز تلقی شود. (در مورد اینجانب نیز این شگردها صرف نظر از انتساب اتهامات افترا آمیز و کذب از برچسبها و عناوین مجرمانه مانند سرکرده فرقه ضاله، جادوگر، جن گیر، شیاد، کلاهبردار، شیطان پرست، منحرف و... در معرفی من استفاده شده و در گزارشهای اولیه ثبت شده در پرونده، ادعاهای کذب ارتباط با بیگانگان، داشتن افکار انحرافی مارکسیستی، داشتن ارتباط نامشروع، کسب مال نامشروع، و... بعمل آمده است قبل از آنکه این ادعاها و برچسبها در هیچ دادگاهی به اثبات رسیده باشد. گو اینکه پس از گذشت هشت سال، بهتان بودن همه این ادعاها ثابت شده و اتهام اصلی انتسابی افساد فی الارض به اینجانب نیز الزام و مختوم به برائت است که با اقدامات مجرمانه جلوی صدور برائت آن گرفته شده است.)

پ) سوءاستفاده ابزاری از برخی از مراجع عظام تقلید و علما:
این یکی از شگردهای متداول تاریخی می‌باشد که از طریق تحریک برخی از مراجع عظام و علما با ارائه اطلاعات غلط و مغرضانه و استفتاهای کذب و ناروا و گرفتن فتوا علیه اشخاص برجسته بویژه عرفا، اندیشمندان و اشخاص شاخص سیاسی-اجتماعی، آنها را مورد ترور شخصیتی از طریق پاپوش و پرونده‌سازی قرار داده تا در نهایت با حذف این نخبگان از عرصه جامعه به اهداف شوم سیاسی و... خود برسند و گناه این جنایات را نیز به گردن مراجع عظام و علمای محترم بیندازند (استفاده از این شگردها همواره در طول تاریخ ادامه داشته و تکرار شده و عرفای بزرگی همچون شیخ اشراقها و... را به خاک و خون کشیده است، بطوریکه آثار چنین سوءاستفاده‌هایی در به شهادت رسیدن عرفا همواره مشهود بوده، ضمن اینکه در پشت این صحنه‌های کریه و زشت، همیشه

قدرت طلبها، انحصار طلبها و... قرار داشته‌اند که از محبوبیت عرفا و اندیشمندان که مشمول «تعز من تشاء» بوده و بدین لحاظ از ارج و عزت الهی در بین مردم برخوردارند، درحالی‌که خودشان مجبورند با زر و زور و تزویر دیگران را به احترام و تکریم ظاهری نسبت به خود وادار کنند، در بیم و هراس می‌باشند و به این علت اقدام به بدنام کردن، تهمت زدن و... به انسانهای فرهیخته می‌کنند تا با سوءاستفاده از چنین ابزاری، ترور شخصیتی و ترور فیزیکی این افراد را در افکار عمومی موجه و شرعی جلوه بدهند)

در این رابطه رجوع به شکایات اینجانب علیه بازپرس اسدی (شعبه پنجم دادسرای شهید مقدس اوین- سال ۸۹) در صفحه ۲ این شکوائیه نمونه کاملی از چنین سوءاستفاده‌ای را در قرن بیست و یکم! نه در دوران جهالت گذشته به معرض قضاوت همگان قرار می‌دهد. اقدام شیادانه‌ای که اینجانب را سال‌های متمادی در زیر بار سنگین اتهامات ارتداد، ساب النبوی(ص)، افساد فی الارض و... و محکومیت ناحق توهین به مقدسات نگهداشته و بارها به پای چوبه دار کشانیده است (بویژه در سال ۹۰ با استناد به پانزده حکم جعلی اعدام از سوی مراجع محترم تقلید) و اگر دقت نظر و تقوای الهی اعضای محترم شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور (به ریاست جناب آقای محمد نیازی) نبود تا بحال اعدام شده بودم درحالی‌که بخوبی ثابت شده که کلیه اتهامات وارده همگی صرفاً پاپوش بوده که با چنین سوءاستفاده‌ای طراحی و پیاده شده است و...

۳- طولانی و نامعقول بودن طول مدت مقرر بازداشت موقت در قانون ماده ۲۴۲ (آ.د.ک):

یکی از عوامل بروز تخلفات جدی درمورد متهمین (ساع) طولانی بودن زمان بازداشت موقت است که حدنصاب آن برای مجازات های سالب حیات مدت ۲ سال می‌باشد (البته همین هم در عمل رعایت نمی‌شود بطوریکه این مدت برای اتهام انتسابی افساد فی الارض اینجانب به هفت سال رسیده!!! و هیچ مرجعی هم تاکنون به شکایات متعدد من در خلال این سالها رسیدگی نکرده است) و این خود فرصت لازم و کافی برای اعمال رفتارهای نامتعارف از سوی کارشناسان امنیتی پرونده را بر روی متهمین (ساع) از جمله پیاده نمودن شکنجه‌های روانی ناشی از حبس در بازداشتگاه و سلول انفرادی و...، متلاشی کردن زندگی آنها با ترفندهای پیش گفته بمنظور منزوی کردن و بی‌پشتوانه و حامی شدن این دسته از متهمین،

داشتن زمان کافی برای شکستن و راضی کردن آنها جهت ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری و مصاحبه های لازم در این مورد و...
مشکل دیگر این است که با طولانی شدن زمان بازداشت موقت در صورت التزام به صدور برائت و یا کاسته شدن از میزان محکومیت حبس تعیین شده توسط دادگاه بدوی بواسطه ارجاع به دیوان عالی و... طلبکار شدن متهم بواسطه بیشتر بودن طول مدت بازداشت از حبس قطعی تعیین شده و یا برائت متهم، بعضی از قضات دادگاه انقلاب و کارشناسان امنیتی پرونده زیر بار نرفته و اجازه نمی‌دهند که متهم بصورت طلبکار از بازداشت آزاد شود و حتماً محکومیت سبکتر دیگری برای او در نظر می‌گیرند (مراجعه به موضوع گروکشی). تصور نمی‌شود که در هیچ کجای دنیا بتوان به این سادگی افراد را به مدت ۲ سال در بازداشت موقت آنهم در شرایط بازداشتگاه امنیتی و سلول انفرادی و... محبوس کرد. زیرا در صورتی که فردی را با اسناد و مدارک معتبر و قانونی و ادله اثبات لازم و کافی دستگیر کرده باشند، ظرف مدت حداکثر ۲ ماه می‌بایستی جلسه دادگاه تشکیل و صدور حکم بعمل آید؛ ولیکن همانطور که گفته شد بعلت اینکه اکثریت متهمین (ساع) را بدون در دست داشتن اسناد و مدارک لازم و کافی دستگیر می‌کنند و اتکا کارشناسان امنیتی به خود اقراری آنها (با شگردها و ترفندهای گفته شده) می‌باشد و لازم است تا اسناد و مدارک، فراهم و پرونده‌سازی انجام شود، از اینرو به زمان‌های بسیار طولانی بازداشت موقت نیاز می‌باشد که در برخی موارد به زمان‌های بسیار بیشتری از آنچه که حتی در ماده ۲۴۲ (آ.د.ک) پیش بینی شده، کشیده می‌شود (مانند پرونده من).